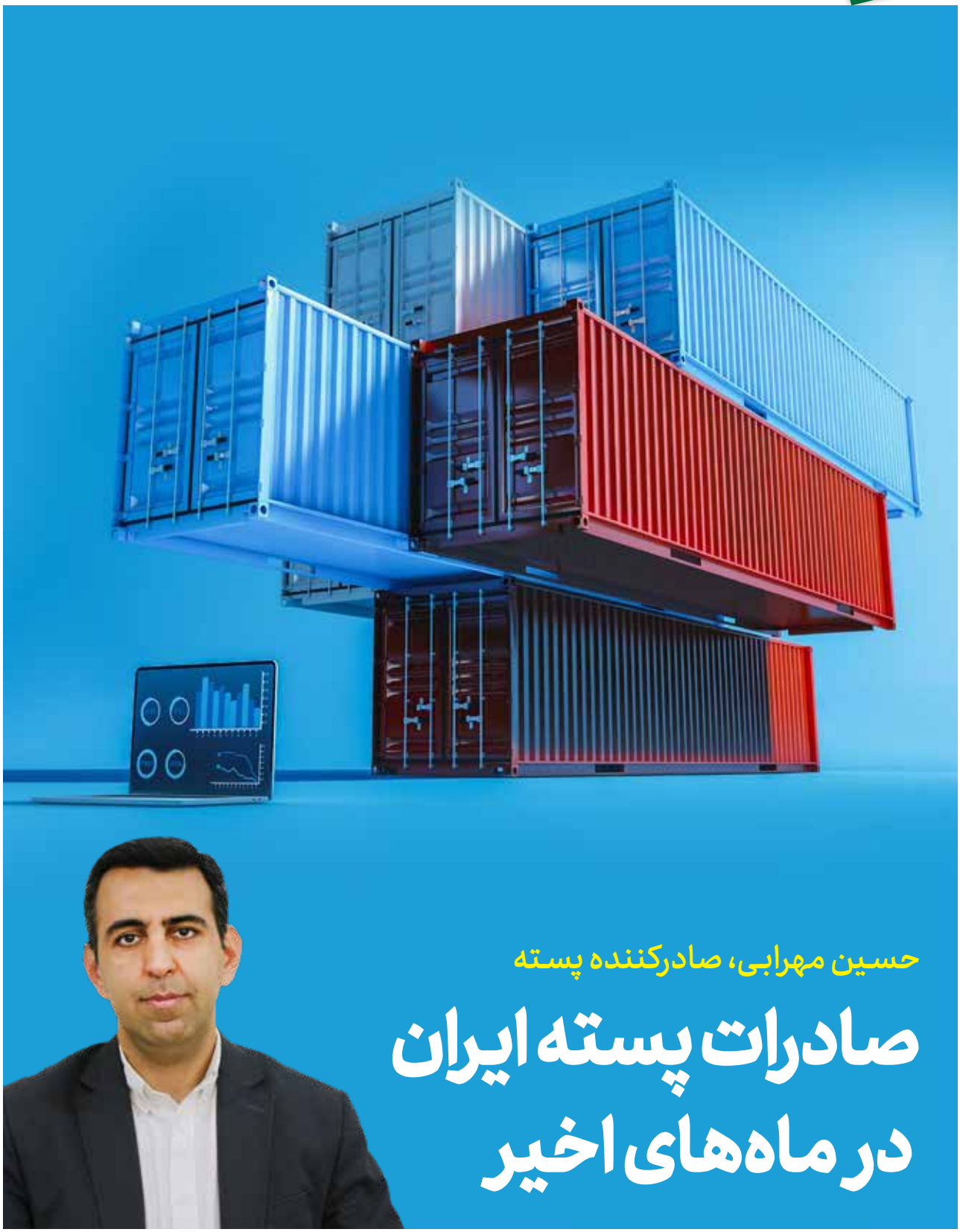


حسین مهرابی، صادرکننده پسته

صادرات پسته ایران در ماه‌های اخیر

تقاضا در بازار چین برای پسته ایرانی عمده بالا بود. اما عاملی که باعث شد پسته ایرانی خیلی فروش نرود قیمت بود. امسال به نسبت حجم تولید در مقایسه با سال‌های قبل خیلی کمتر پسته به سمت شرق دور رفت. ناهمخوانی قیمت‌های داخل ایران و قیمت‌های بین‌المللی منجر به این داستان شد.

آقای مهرابی! امسال تخمین انجمن پس از برداشت محصول ۱۸۰ هزار تن بود؛ با اضافه شدن ۲۰ هزار تن مانده انتقالی از سال قبل موجودی در دسترس اول سال جمعاً ۲۰۰ هزار تن برآورد می‌شد. در ابتدای سال تجاری ۱۴۰۲/۰۳ (مهرماه)، محصول پسته خشک در پوست و مغز پسته از لحاظ عرضه، تقاضا و قیمت‌ها چه وضعیتی داشتند؟

قبل از اینکه به نقطه شروع امسال برسیم ذکر یک نکته ضروری است؛ قیمت پسته بر اساس عرضه و تقاضا در بازار جهانی مشخص می‌شود؛ عرضهٔ پسته از جانب تولیدکنندگان و تقاضای آن از جانب مصرف‌کنندگان پسته در دنیا. از سالیان دور تا حدود سه سال پیش عرضهٔ پسته در دنیا نسبت به تقاضای آن کمتر بود و روند قیمت‌گذاری پسته در دنیا افزایشی بود. اما از حدود سه سال محصولی پیش عرضهٔ پسته در دنیا بیشتر از میزان مصرف شده‌است.

طی سه سال اخیر حجم پسته‌ای که آمریکایی‌ها تولید می‌کردند و مانده انتقالی که از سال‌های قبل‌شان داشتند، نشان می‌داد که قرار است حجم بسیار زیادی عرضه شود. بنابراین، آمریکایی‌ها یک روند کاهش قیمت را شروع کردند تا بتوانند مازاد عرضه را پوشش دهند. قیمت پسته را از حدود ۱۰ دلار به ۹ دلار رساندند و سال محصولی قبل هم که همین روند تکرار شد و قیمت به حدود ۸ دلار رسید و امسال سومین سالی بود که این اتفاق مجدداً افتاد و قیمت پسته از حدود ۸ دلار به حدود ۷ دلار رسید.

نکته‌ای که در صنعت پسته ایران با آن مواجه بودیم، کم محصولی سال گذشته و سال محصولی ماقبل از آن یعنی ۱۴۰۰/۰۱ بود. از زمانی که آمریکایی‌ها بنا به دلایلی که توضیح دادم شروع به پایین آوردن قیمت‌ها کردند، ما به‌شدت دچار کم محصولی بودیم و این کمبود محصول باعث شد که این تغییر روند قیمتی را در بازار بین‌المللی به‌طور محسوس نبینیم. سرمازدگی‌هایی که در دو سال محصولی قبل رخ داد باعث شد این حس ایجاد شود که قرار نیست پسته زیادی به دنیا عرضه شود و پسته کم است. طبیعتاً دست نگه‌داشتند و پسته نفروختند. این باعث شد جلوی اُفت قیمت‌ها در بازار داخلی گرفته‌شود. علاوه بر این موضوع، نکته مهم دیگر روند افزایشی نرخ دلار بود. چون پسته کالایی است که خیلی به دلار نزدیک است و خودش یک نوع کالای سرمایه‌ای مثل ارز تلقی می‌شود، روند افزایش دلار هم در بازار داخلی افراد را تشویق می‌کرد که پسته نفروشند و عرضه نکنند.

نکته سوم، تقاضا برای مغز پسته بود. علی‌رغم اینکه قیمت پسته به دلیل مازاد عرضه در دنیا اُفت کرده‌بود، تقاضا برای مغز پسته به دلیل کمبود عرضه بالا بود و مغز جایگاهش را حفظ کرده‌بود و جلوی اُفت بیشتر قیمت پسته در ایران را گرفت. در سال محصولی قبل (۱۴۰۱/۰۲) هم که سرمازدگی اتفاق افتاد و محصول کم بود، باز به همان سه دلیلی که توضیح دادم پسته در بازار کم عرضه شد، اما مغز پسته جلوی اُفت بیشتر قیمت پسته خندان را گرفت. اینها اتفاقاتی بودند که طی دو سال قبل رخ دادند.

علی‌رغم اتفاقات سال‌های اخیر، در مهرماه امسال محصول پسته از لحاظ عرضه، تقاضا و قیمت‌ها چه وضعیتی داشت؟

امسال سال محصولی به نسبت خوبی داشتیم. نرخ دلار نسبتاً تثبیت شده‌بود و طی پنج، شش ماه قبل از فصل برداشت محصول طبیعتاً آن انگیزه و اثرات روانی بالا رفتن دلار در کشاورزها کمتر از سال‌های پیش بود، چراکه در طول شش ماه ثبات نرخ دلار را دیدند و از طرفی پسته هم زیاد بود و با توجه به افزایش هزینه‌ها گمان این می‌رفت که کشاورزان برای برطرف کردن نیاز مالی خود پسته‌شان را عرضه می‌کنند. که این اتفاق افتاد، هرچند کشاورزان به اندازه نیاز مالی‌شان عرضه انجام می‌دادند که به نسبت قابل توجه بود، اما انتظارات خیلی بیشتر از آن بود. از اوایل خرداد اُفت قیمت‌ها شروع شده‌بود و زمانی که محصول جدید آمد سرعت اُفت قیمت‌ها سریع‌تر هم شد. تقریباً می‌توان گفت قیمت پسته فندقی به حدود همان ۷ دلار قیمت‌های جهانی رسیده‌بود. از جنبه تقاضا هم باید بگویم قیمت‌های پایینی که آمریکایی‌ها در شروع فصل جدید ارائه دادند باعث شد که مشتریان احجام خیلی بزرگی را از پسته آمریکایی خرید کنند و تقاضا برای پسته آمریکایی بالا بود. درست است که در ابتدای مهرماه قیمت متوسط پسته آمریکایی که در بازارها پیشنهاد می‌شد قطعاً پایین‌تر از قیمت پسته آجیلی ایرانی بود، اما در همه بازارها تقریباً به‌نوعی تقاضا برای پسته ایرانی هم وجودداشت.

وضعیت تقاضا در هرکدام از بازارهای اصلی صادراتی پسته ایران چگونه بوده‌است؟

تقاضا در بازار چین برای پسته ایرانی وجود داشت، اما عاملی

که باعث شد پسته ایرانی خیلی فروش نرود قیمت بود. امسال به نسبت حجم تولید در مقایسه با سال‌های قبل خیلی کمتر پسته به سمت شرق دور رفت؛ ناهمخوانی قیمت‌های داخل ایران و قیمت‌های بین‌المللی منجر به این موضوع شد، چرا که چینی‌ها همیشه یک گزینه خوش‌قیمت پسته آمریکایی را روی میزشان داشتند.

کشورهای مشترک‌المنافع و مخصوصاً روسیه هم که همیشه خواهان پسته ایران بوده‌اند و در احجام بزرگ خریدار پسته ایرانی‌اند. حجم صادرات پسته ایرانی به این بازارها خوب بوده‌است. بازار بعدی که یک مقدار در طول این سال‌ها روند عجیبی داشته و البته قابل پیش‌بینی هم بوده، بازار هند است. بازار هند به‌شدت رو به توسعه است. در سال‌های اخیر آمریکایی‌ها خیلی بیشتر توانسته‌اند در این بازار پسته بفروشند، دلیلش این بوده که پسته خاص احمدآقایی سفید ایرانی که ترجیح هندی‌ها است در قیمت‌های خیلی بالاتر نسبت به پسته آمریکایی عرضه می‌شده‌است. پسته آمریکایی در این دو، سه سال در بازار هند جا افتاده و هندی‌ها هم مقایسه قیمتی می‌کنند. درست است که در قیمت مساوی ترجیح می‌دهند پسته ایرانی خرید کنند و حتی حاضر به پرداخت اختلاف قیمت هم هستند، ولی وقتی این اختلاف قیمت از حدی بیشتر شود آنها هم برایشان به‌صرفه نیست و ترجیح می‌دهند که پسته آمریکایی بخرند. امسال هم از اول سال با توجه به نزدیک‌بودن جشن دیوالی، زمانی‌که ما هنوز در پروسه اصلاح قیمت بودیم، حجم زیادی از خریدشان را از آمریکایی‌ها انجام دادند، هرچند حجم قابل توجهی از مغز پسته ایرانی به هند صادر شد. بازار مهم دیگر ما اروپا است که حجم صادرات پسته آجیلی ایران به آنجا بسیار کم شده‌است، اما همچنان بازار مغز پسته و مغز سبز پسته ایران است که در ابتدای فصل تقاضای مشتریان برای این محصولات بالا بود. بازار خاورمیانه هم به نوعی خریدار مقداری پسته آجیلی بوده، ولی عمده تقاضای این بازار نیز مغز پسته بوده که حجم قابل توجهی صادر شده‌است.

آیا در میان بازارهای هدف پسته ایران هیچ‌کدام هست که در شرایط قیمتی مساوی یا نزدیک به هم باز هم ترجیح بدهند پسته ایرانی بخرند؟

سوال خوبی است. بله، در خیلی از بازارها ترجیحاتی وجوددارد که تحت این شرایط ترجیح‌شان خرید پسته ایرانی است، هرچند در هر بازار فرق می‌کند. در بازار هند به دلیل تقاضای



خاص و ذائقه هندی‌ها به پسته احمدآقایی سفید، ترجیح می‌دهند که در شرایط مساوی پسته ایرانی بخرند، حتی حاضرند مابه‌التفاوت قیمتی هم بپردازند و پسته گران‌تر ایرانی را بخرند، هرچند گفتیم که این مابه‌التفاوت باید منطقی باشد و تا حدی کشش دارد.

اتفاق جالبی که امسال در بازار چین افتاد به یکی از مزایای کیفی پسته ایران برمی‌گردد؛ منظورم تفاوت طعم و مزه نیست، هرچند آن هم مهم است. یک تفاوت فاحش که در پسته ایرانی در مقایسه با پسته رقیب وجوددارد بحث عیار پسته ایران است، یعنی میزان مغز پسته‌ای که به‌دست مصرف‌کننده نهایی می‌رسد. وقتی مشتری یک هزینه‌ای را بابت پسته پرداخت می‌کند در واقع بابت آن مغز پسته‌ای که قرار است بخورد، پول می‌دهد. یعنی در واقع در قیمت مساوی خریدار پسته ایرانی از حدود ۱۰ درصد تخفیف برخوردار می‌شود. نکته جالبی که شنیدم این بود که چینی‌ها امسال روی قیمت پیشنهادی پسته‌ای که اعلام می‌کردند می‌خواهند بخرند سقف عیار نیز گذاشته بودند، مثلاً ۵۲ گرم. در پسته آمریکایی که این عدد مشخص و ثابت است اما در پسته ایران این عدد هم می‌تواند بیشتر باشد هم کمتر؛ یعنی متغیر است، با دامنه تغییرات بیشتر روی ارقام مختلف و شرایط مختلف. فکر می‌کنم این نکته مزیت خیلی مهمی است که در آن شرایط کیفی که می‌گوییم پسته ایرانی دارد، لحاظ می‌شود و اثر می‌گذارد و دیدیم که اثرش را امسال گذاشت.

آیا اصلاح قیمتی که گفتید از قبل از مهرماه امسال به‌تدریج شروع شده‌بود همچنان ادامه دارد و اوضاع خرید و فروش در بازار بهتر شده‌است؟

بازار پسته بعد از مهر و آبان که عمده خریدها طی دو ماه اول سال تجاری انجام می‌شود، در آذرماه دچار یک رکود شد که البته یک سری موضوعات خارج از صنعت پسته هم بر وضعیت

بزرگ‌ترین چالش فعلی که تجارت پسته ایران با آن دست و پنجه نرم می‌کند قانون دست و پاگیر رفع تعهد ارزی در داخل ایران است. علی‌رغم وجود تقاضای مشتریان خارجی برای پسته ایران، بحث کارت‌های بازرگانی و ترس از تعهدی که بابت برگشت ارز و شرایط قوانین تعهد ارزی وجوددارد رغبت و تمایلی از جانب صادرکنندگان برای کار جدی نیست.

بـازار تأثیـر گذاشـت. بعد از یکی، دو هفته بـازار دوبـاره ذره ذره جان گرفـت؛ یـک روند متناوب پیوسـته‌ای تجربه کرد، نـه خیلی نزولی بـود و نـه خیلی صعـودی. اگر نـرخ دلار در ایـران را در آن بازه زمانی چـک کنیـد می‌بینید که تغییر آنچنانی نداشـته و عمـلاً در حدود ۵۰ هـزار تومـان ثابت بود.

آن حجـم صـادرات یا تقاضای به نسـبت بـالای اول فصل قاعدتاً کمتـر شده‌اسـت. در مهـر و آبـان و حتی در آذرمـاه خیلی تقاضا بیشـتر بـود، ولـی الان بـازار بـه یـک ثبات نسـبی رسیده‌اسـت. نکتـه جالبـی هـم که وجـوددارد این اسـت کـه میـزان عرضه و تقاضـا تقریبـاً برابـر اسـت. در بـازار مازاد عرضـه نداریم کـه اُفت قیمت را پشـت سـرش داشته‌باشـد، یـا اینکه تقاضاهـای خیلی خـاص و بزرگـی از آنطـرف نیسـت کـه نگـران باشـیم اینطـرف برایـش عرضـه وجـود نـدارد. الان کـه داریـم صحبـت می‌کنیم علی‌رغـم نوسـانات و افزایـش قیمـت دلار در ماه‌هـای بهمـن و اسـفند، بـازار تقریبـاً در یـک شـرایط متعـادل پیـش مـی‌رود و هیجانـی در آن وجودنـدارد. درحال‌حاضـر، کشـاورزان بـه نوعـی فقـط بـرای پوشـش نیـاز مالی یـا ریالی روزشـان پسـته می‌فروشـند. درغیـر این‌صورت ترجیحی به فروش پسـته ندارند.

علت این موضوع را چه می دانید؟

دو دلیـل اصلـی دارد؛ انتظـارات مربوط به افزایش نـرخ ارز و عدم اطمینـان بـه محصول سـال آینـده بنابه شـرایط جـوی و تجربه سـرمازدگی‌های سـال‌های اخیر.

درحال‌حاضـر اکثـر تقاضـا بـرای چه محصولـی و از کجا ست ؟

تقریبـاً تقاضـا بـرای انواع پسـته آجیلی وجـوددارد، امـا تقاضای مغـز پسـته همچنان بالا اسـت و هنوز هـم آنچه که اهـرم ثبات پسـته ایران شـده مغز پسـته است.

در این مورد بیشتر توضیح می دهید؟

می‌دانیـد کـه آمریکایی‌هـا بـه دلایـل مختلفـی می‌تواننـد پسـته آجیلـی را بـا قیمت‌هـای رقابتی‌تـر بفروشـند، ولـی مغـز پسـته را نمی‌تواننـد در آن حجـم به بازار عرضه کنند. البته ممکن اسـت در آینـده نزدیـک این اتفاق بیافتد. در سـال‌های اخیـر، تقاضای بالایی برای مغز پسـته در دنیا وجود داشـته که بخش عمده آن تقاضا باید توسـط مغز پسته ایرانی تأمین شـود. درحال‌حاضر، تقاضا در حدی بـالا اسـت کـه حتی صرف می‌کند پسـته خنـدان را نیز مغـز کرد.

طبـق آمـار گمرک ایـران، تا پایـان بهمن‌مـاه ۱۴۰۲، حدود ۶۸ هزارتن پسـته معادل خشک در پوست از ایران به مقاصد صادراتی ارسـال شـده و مانده انبارها در پایان بهمـن ۱۲۲ هـزار تن بـرآورد می‌شـود. وضعیـت فروش پسـته ایـران در ماه‌هـای آتـی تـا پایـان سـال تجاری ۱۴۰۲/۰۳ را چگونـه ارزیابـی و پیش‌بینـی می‌کنیـد؟

مـا تـا الان نزدیک بـه ۴۰ درصد از موجودی دردسـترس اول سـال را عرضـه کردیـم. اگـر بـا رونـد سـال‌های گذشـته مقایسـه کنیم خیلـی عقبیـم، ولی به نوبـه خودش شـاید قابل قبول باشـد. از این بـه بعـد، وضـع بازار خیلی بسـتگی بـه نـرخ دلار دارد. قیمـت دلار تأثیـر بسـیار زیـادی در نوع عرضـه و تقاضا و خرید و فروش پسـته می‌توانـد داشته‌باشـد. اگـر از جنبه بازارهای جهانـی بخواهم بگویم حجـم زیـادی پسـته در ابتدا توسـط آمریکایی‌ها و بعد هم توسـط مـا فروخته‌شـده، اما همانطـور کـه در گزارش‌هـای بین‌المللی هم عنـوان شـده کاهـش قیمت منجـر به افزایـش تقاضا و مصـرف در بازارها شده‌اسـت و به تبع آن شـاهد کمی افزایش قیمت در پسـته آمریکایی بوده‌ایم. طبیعتاً از الان به بعد قرار نیسـت تقاضا به شـدت اول فصـل زیـاد باشـد. ما هنوز ماه رمضان و سـال نو شمسـی را در پیـش رو داریـم که مصرف پسـته و مغز پسـته در یکسـری بازارها افزایش پیدا می‌کند. از نوروز به بعد مسـئله وضعیت محصول سـال جدید اهمیت دارد. اگر محصول خوب باشد و سرمازدگی یا مسائل اقلیمـی و جوی آسـیبی به محصول سـال آینده نزنند، احتمـالاً در نیمه دوم سـال عرضه پسـته بیشـتری داشته‌باشـیم. البته این سه موضـوع روی هـم اثرگذارند؛ هم شـرایط محصول سـال جدید، هم نـرخ دلار، هم قوانین و مقررات داخلی روی روند حرکت بازار پسـته در شـش مـاه دوم سـال محصولی جاری تأثیـر می‌گذارند.

ایـن گفت‌وگـو را بـا پرداختـن به چالش‌هـای فعلی تجارت پسـته تمـام کنیم؟

بزرگ‌ترین چالش فعلی که تجارت پسـته ایران با آن دسـت و پنجه نـرم می‌کنـد قانون رفـع تعهـد ارزی در داخل ایران اسـت. علی‌رغم وجود تقاضای مشـتریان خارجی برای پسـته ایران، شـرایط قوانین تعهـد ارزی باعـث شـده رغبـت و تمایلـی از جانـب صادرکنندگان بـرای صـادرات نباشـد. حـالا بمانـد شـرایط حمـل و جابه‌جایـی، زمانبنـدی حمل بار و موضوع افلاتوکسـین برای بـازار اتحادیه اروپا هـم مزید بـر علت شـده‌اند. امـا چالش‌هـای اصلی صادرات پسـته ایـران در حـال حاضـر سیاسـت‌های بانک مرکـزی برای سـرکوب نـرخ ارز و اعمـال قوانیـن مربـوط بـه رفـع تعهـد ارزی می‌باشـد.